



خبر

توضیحات طائر پور درباره یک حاشیبه مراسم اختتامیه

ایسنا- فرشته طائر پور درباره برخی حواشی حضورش بر سن اختتامیه فیلم فجر توضیحاتی داد. این داور جشنواره فیلم فجر در نوشتاری آورده است: «چرا با وجود سرما خوردگی، خانم‌های برنده جایزه را بوسیدم؟ چرا با فاصله از بقیه داوران روی سن ایستادم؟ کسالت من از نوع مسری نبود. از وقتی آلودگی هوا بیشتر شده، گاهی گرفتار حمله‌های سرفه می‌شوم. اگر بیماری من مسری بود، دختر خودم را همان دیشب- مثل همیشه- چندین بار نمی‌بوسیدم. خانم‌های برنده جایزه را هم به استناد تصاویر موجود، جوری بوسیدم که هیچ تماسی جز با نیمه عقبی روسری‌شان نداشته باشم. امیدوارم به دلایل دیگر سرما نخوردم و به حساب من گذاشته نشود.

همان ابتدای برنامه به آقای رشیدپور گفتم و خواهش کردم اعلام کند که چون تلویزیون معمولاً تصویر مرا در مراسم حذف می‌کند، اگر به توصیه مسوولان مراسم بروم درست وسط شش داور دیگر بایستم، در پخش تصاویر آنها هم مشکل ایجاد می‌شود.

ایشان به احترام آبروی تلویزیون نگفتند (امیدوارم مسوولان تلویزیون قدر آبروداری ایشان را بدانند). تنها چاره این بود که خودم خط قرمزهای!!! تلویزیون را مراعات کنم و جدا از بقیه بایستم تا حذف بی‌دردستر باشد و به داوران دیگر لطمه نزنند.

برخی سایت‌ها نوشته‌اند چون با سایر داوران در طول دوری مشکل داشت‌ام و آنها را قبول نداشت‌ام جدا ایستادم. چگونه ممکن است همکاران سی و چند ساله خود را قبول نداشته باشم!؟

در جمع داوران امسال تنها آقای خجسته بودند که از قبل ایشان را نمی‌شناختم و به بمن این تجربه با ایشان آشنا شدم و خدمت‌شان ارادت پیدا کردم.» در مراسم اختتامیه فیلم فجر، ایستادن فرشته طائر پور با فاصله از دیگر داوران برخی حواشی را در فضای مجازی به وجود آورد.

انجمن نویسندگان آمریکا برندگانش را شناخت

مهر- انجمن نویسندگان آمریکا دیروز برندگان بهترین فیلمنامه سال را در بخش‌های مختلف اعلام کرد.

در این مراسم، انجمن نویسندگان آمریکا فیلمنامه «برو بیرون» و «مرا با نام خودت صدا بز» را به عنوان بهترین فیلمنامه‌های سال در بخش سینما انتخاب کرد. «برو بیرون» نوشته جوردن پیلی به عنوان برنده بهترین فیلمنامه غیراقتباسی انتخاب شد و «مریض بزرگ»، «من، تونیا»، «لیدی برد» و «شکل آب» را ناکام گذاشت.

جایزه بهترین فیلمنامه اقتباسی نیز به «مرا با نام خودت صدا بز» نوشته جیمز اوبری رسید که با اقتباس از رمان اندره آسجیمان نوشته شده است. «هنرمند فاجعه»، «لوگان»، «بازی مالمی» و «مادباد» دیگر مدعیان این بخش بودند.

در بخش تلویزیونی نیز فیلمنامه سریال‌های «داستان خدمتکار»، «ویپ»، «فلینت»، «روغ‌های کوچک بزرگ»، «بهرت اسات بلنمی» و «ویل و گریس» نیز به عنوان بهترین فیلمنامه‌ها انتخاب شدند. در این مراسم «جین» نوشته برت مورگان نیز به عنوان بهترین فیلمنامه مستند معرفی شد.

«فتوحات گلشیری» در تالار چهارسو

نمایش «فتوحات گلشیری» به‌دراماتورژی مجتبی کریمی و کارگردانی یوسف باپیری از فردا در تالار چهارسو مجموعه تئاتر شهر روی صحنه می‌رود.

عباس جمالی، بهار کاتوزی، فرزانه میدانی و مریم نورمحمدی به عنوان بازیگر در این نمایش حضور دارند.

محمد قدس مجری طرح، اشکان خیل‌نژاد مشاور هنری، سهریه شمس‌زاده طراح صحنه، روح‌الله شمس‌زاده گرافیک صحنه، جعفر جام‌بزرگی و رضوان یارایی نقاشی صحنه، محمد میرسلطانی، عباس میرسلطانی، مرتضی چراغ‌علی گروه ساخت دکور، ملیکه انصاری طراح لباس، ملیکا کیوان دستیار لباس، زهرا بهرامی دوخت لباس، دوخت لباس، فرزاد فلک دهی صدا و موسیقی، روزبه کمالی طراح صدا، مهرداد مصلحی صابردار، محمد رسولی طراح نور، کیوان ضیابور مجری نور، آرمان کوچکی طراح گرافیک، پوستر و بروشور و علیرضا چلیپا تصویرساز دیگر عوامل اجرایی نمایش را تشکیل می‌دهند.

نمایش «فتوحات گلشیری» به کارگردانی یوسف باپیری از فردا ساعت ۲۰ با مدت زمان ۶۰ دقیقه در تالار چهارسو مجموعه تئاتر شهر به صحنه می‌رود.

اعطای وام به اهل قلم

ایسنا- به گفته مدیرعامل خانه کتاب، اعطای وام ۱۰ میلیون تومانی به اهل قلم از ۲۸ بهمن‌ماه آغاز می‌شود. مجید غلامی جلیسه اظهار کرد: این وام از ۲۸ بهمن‌ماه با بازپرداخت ۳۶ ماهه به اهالی قلم اعطا می‌شود.

او همچنین گفت: با پیگیری موسسه خانه کتاب و حمایت‌های محسنی جواد، معاون فرهنگی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در سال جاری علاوه بر وامی که از طریق صندوق اعتباری هنر به اهالی قلم ارائه خواهد شد، وام ۱۰ میلیون تومانی نیز در اختیار اهالی قلم قرار می‌گیرد. این تسهیلات در سال آینده نیز استمرار خواهد داشت و به تمام اهالی قلمی که شرایط دریافت این تسهیلات را داشته باشند تعلق می‌گیرد.

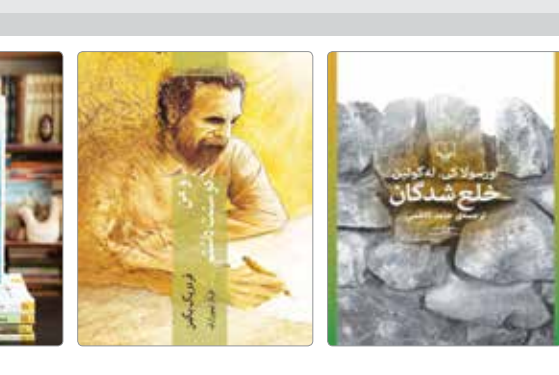
غلامی جلیسه درباره ضوابط و شرایط دریافت این تسهیلات بیان کرد: افرادی که طی پنج سال گذشته سه عنوان کتاب (حوزه بزرگسال) و چهار عنوان کتاب (حوزه کودک و نوجوان) منتشر کرده باشند، می‌توانند از این وام بهره‌مند شوند.

مدیرعامل خانه کتاب افزود: اهالی قلم می‌توانند برای دریافت این تسهیلات، بدون حضور در محل موسسه و فقط با مراجعه به سایت اهل قلم به نشانی www.ahleghalam.ir اقدام کنند. همچنین پرداخت این تسهیلات به دلیل محدود بودن میزان وام، بر اساس اولویت در ثبت‌نام به متقاضیان اعطا می‌شود.

چرا ابراهیم در آتش می‌سوزد

محمدتاج‌الدین

ابراهیم حاتمی‌کیا همیشه شاکی است. سال‌هاست چهره او را با چشمان سبز و صورت پرافروخته دیده‌ایم و هر بار از خود پرسیدیم حاج ابراهیم چرا آرام و قرار ندارد؟ چرا هر بار پشت میکروفن می‌ایستد لحسن تند است و می‌خواهد کسی را الج‌مال کند؟ آیا تا به حال بودجه فیلم‌هایش تامین نشده است؟ آیا زمان اکران ساخته‌هایش میان حجم سنگین فیلم‌های روی پرده به یغما رفته است؟ تا به حال شده سینماهای حوزه هنری فیلم‌هایش را تحریم کنند؟ آیا اتفاق افتاده صداسوسما برنامه‌های علیه او پخش کند و فرصت دفاع به او ندهد؟ تا به حال جلوی فیلم‌سازی‌اش را گرفته‌اند؟ آیا پیش آمده فکر کند تنها راه ادامه فعالیت هنری‌اش ترک وطن است؟ ممنوع‌الکار بوده؟ ممنوع‌الخروج چطور؟



خلع‌شدگان

خلع‌شدگان داستانی است علمی-تخیلی. یا داستانی که در ظاهر چنین برمی‌آید؛ اما رویه نخست آن را که کنار بزینم، با کندو کاو شگفت‌انگیز پرشی رویه‌رو می‌شویم که از قرن نوزدهم به بعد سرنوشت انسان را رقم زده؛ چگونه می‌توان جامعه‌ای آرمی ساخت که نه از فقر و ستم در آن خبری باشد، نه از سرکوب سیاسی حکومت‌های توتالیتر. داستان در روایتی مجذوب‌کننده به این جدال فکری در دو قرن اخیر تجسمی روایی می‌بخشد. سه مجمع کیهانی، اوراس مظهر زمین که نظام سرمایه‌داری بر آن حاکم است، توو نماد مردمی که هشت قرن قبل دست به انقلاب سوسیالیستی زدند ولی به ساختار متمرکز دولت رسیدند و آنارس نماد جامعه آناشینیستی که صد و پنجاه سال قبل در اقدام انقلابیونی بر پا شد که هم از اوراس بیزار بودند و هم از توو و در کهنکشتی‌های دور دست سیاره خود را ساختند با نوعی برابری همگانی در جنبه‌های گوناگون زندگی. در این تعارض سرنوشت بشر درنده‌ها و فقر و نابرابری سرمایه‌داری، سرکوب سیاسی دولت توتالیتر کمونیستی و آیندگی که در آن آزادی سر سستیز با برابری نداشته باشد به روایت کشیده می‌شود.

من دوست داشتم

و من دوست داشتم روایتی است از زبان پدری در شب کربسمس در قالب نامه‌ای خطاب به پسرش. او که شخصیت سرشناسی است طی سال‌های زندگی‌اش تبدیل به فردی بی‌ملاحظه و خودخواه شده و اهمیتی به عزیزانش نمی‌دهد ولی آشنایی او با دخترکی در بیمارستان که در آستانه مرگ قرار دارد مسیر زندگی او را تغییر می‌دهد.

فردریک بکمن با قلم صمیمی و شیوایی خود با زمانی کوتاه بار دیگر مهمان مخاطبان خود شده تا پیامی مهم را به آنها منتقل کند و من دوست داشتم روایت‌ندم‌ت‌ها و سرگشتگی‌های انسان در طول زندگی است، زندگی‌ای که هدیه‌های ارزشمند و در عین حال گذراست. بکمن با شوخ‌طبعی و سبک نگارش منحصربفردش تلخی و اندوه را با لطافت تمام منتقل می‌کند.

و من دوست داشتم را فرناز تیمورزوف به فارسی برگردانده و انتشارات چترنگ آن را در ۶۴ صفحه با تصاویر رنگی و به قیمت ۱۱۰۰۰ تومان منتشر کرده است.

خاملا

همه عشق‌ها و نفرت‌ها برای این بوده که کسی «خاملا» بش را پیدا کرده. یا خاملا را دیده و نشناخته و یا شناخته و نتوانسته به وصالش برسد. «خاملا» نباید نوشته می‌شد. یک بار یکی خیلی سال قبل، او را زندگی کرد و در شش، این راز مگو را گفت و دیگر به سخن نرینماد. لال شد و گذشت و گذشت و گذشت تا رسید به یکی که

اگر اینطور نبوده که نبوده چرا حاتمی‌کیا چه‌جا معترض سینمای ایران است؟ او که به واسطه حاتمی‌کیا بودنش سیمرغ می‌گیرد و پشت میکروفن و در برنامه زنده صداسوسما با انگشت اشاره مجری را نشانه می‌گیرد و سرش فریاد می‌کشد چرا ادعا دارد حقش را خورده‌اند؟

به گمان نگارنده بزرگترین مشکل و دغدغه این روزهای حاتمی‌کیا سینمای او است. دیگر خبری از آژانس شیشه‌ای نیست. دیگر لحظات پر التهاب ارتفاع پست روی پرده سینما جان نمی‌گیرد و شک مأمور اطلاعات فیلم به رنگ ارغوان تکرار نمی‌شود. سینمای حاتمی‌کیا افت کرده و او هم با سینمایش در حال تمام شدن است. حاج ابراهیم دیگر حوصله داستان گفتن ندارد. حس و حال سخنران بودن به او چسبیده و ترجیح می‌دهد رک حرفش را بزند. چه پشت دوربین و چه پشت تریبون. او شعار می‌دهد، آشکارا هم شعار می‌دهد، با صدای بلند هم شعار می‌دهد و شعار دادن را دوست دارد. صدایش آنقدر بلند است که دیگر نمی‌تواند یا نمی‌خواهد صدای دیگران را بشنود. اگر به فیلمش انتقاد کنند دست به دامان سردار سلیمانی می‌شود و مدافعین حرم. گویی



تازه‌های بازار نشر؛

از خلع‌شدگان تا آوای رستاخیز

کارش گفتن است. این کلمه‌ها امید دارند خاملا زنده شود و آن راوی هم به رقص و به رنگ‌رنگ زرد و قرمز این حلقه آتش، باید که جاری شد.

رمان «خاملا» زندگی انسانی را از یازده سالگی تا مرگ او در پیری تعریف می‌کند. پسری کرد از منطقه آرات که در جریان جنبش استقلال‌طلبی ارسران و بعدقزویون تبعیدمی‌شوند این خوی‌بون، همه مردم سسزمینش به پسر در نوزده سالگی به خاطر اختلاف خانواده را رها می‌کند و به الموت می‌رود و تا پایان زندگی به زادگاه و خانواده برنمی‌گردد.

اما چیزی که اصل این داستان است ماجرای دلپستگی پسر به دختری است که در جنگ‌ها حضور داشته و هم‌زمان با تبعید کردها به اسارت درمی‌آید اسم این دختر «خاملا» است.

یوسف علیخانی، متولد اول فروردین ۱۳۵۴ در روستای میبک الموت است که در جنگ‌ها حضور داشته و هم‌زمان با تبعید کردها به اسارت درمی‌آید اسم این دختر «خاملا» است.

یوسف علیخانی، متولد اول فروردین ۱۳۵۴ در روستای میبک الموت است که در جنگ‌ها حضور داشته و هم‌زمان با تبعید کردها به اسارت درمی‌آید اسم این دختر «خاملا» است.

یوسف علیخانی، متولد اول فروردین ۱۳۵۴ در روستای میبک الموت است که در جنگ‌ها حضور داشته و هم‌زمان با تبعید کردها به اسارت درمی‌آید اسم این دختر «خاملا» است.

یوسف علیخانی، متولد اول فروردین ۱۳۵۴ در روستای میبک الموت است که در جنگ‌ها حضور داشته و هم‌زمان با تبعید کردها به اسارت درمی‌آید اسم این دختر «خاملا» است.

استاد خوشنویس و تاسیس‌گالر نقش و خط؛

اولین نمایشگاه ۲۷ بهمن یادمان مرتضی ممیز با بزرگان نقاشی ایران



گالری نقش و خط ۲۷ بهمن الی ۸ اسفند ۱۳۹۶ تهران پاسداران میدان هروی خیابان وفامنش کوچه روشنایی شماره ۱۲ ۲۶۹۱۱۴۸۵

انتقاد «هانکه» از جنبش افشای فساد جنسی در هالیوود

نگران می‌کند. این بدخواهی که این روزها اغلب در اینترنت دیده می‌شود، کار را برای رسیدگی به این جریان خیالی سخت‌تر می‌کند. میثائیل هانکه در پایان اضافه کرد: «دیده می‌شود که این مساله‌ها هم به محکوم مجازات شدن هر گونه تعرض و خشونت جنسی ربطی ندارد بلکه می‌گویم تعقیب جادوگران باید در قرون وسطی باقی بماند. می‌توانم تصور کنم بعد از این مصاحبه چه چیزهایی در اینترنت خواهید خواند: «هانکه، خوک مذکر متعصب». رسوایی اخلاقی هاروی واینستاین، تهیه‌کننده ترفند هالیوودی، آغازگر جنبش بزرگی در آمریکا و دیگر کشورهای جهان شده و تاکنون دامن چهره‌های شاخصی همچون داستین‌هافنم، وودی آلن، کیسی افلک و هنرمندان و نویسندگان دیگری را گرفته است. متهم شدن ستاره‌های هالیوود به آزار و تجاوز جنسی، تاکنون باعث اخراج چندین سینماگر از پروژه‌های کلان شده و



موضوع فیلم حتی است بر کیفیت ساخت. حاتمی‌کیا دلش می‌خواهد دوباره محبوب مردم باشد، می‌خواهد صف طرفدارانش کوچک سینما را دور بزند و تا چشم کار می‌کند ادامه داشته باشد اما اینطور نیست. چمرانش بی‌حال است، بادپیکارش تقلبی است و به وقت شامش از واقعیت دور است.

فیلمساز نظام بودن انگ نیست، گرفتن بودجه از ارگان‌ها و نهادهای سینمای وابسته و مستقل ضعف نیست و ساختن فیلم‌های ارزشی کسی را آزار نمی‌دهد. تمام کارگردان‌هایی که فیلم‌شان را به جشنواره فجر می‌فرستند یا برای ساختش از وزارت ارشاد مجوز می‌گیرند قواعد سیستم را قبول کردند. فقط کسی فریاد نمی‌زند اما حاتمی‌کیا خیال می‌کند نماینده تمام سیستم است و باقی معترض و اپوزیسیون و معارض. نگاه او صفر و یک است. مثل نگاهی که به نقد و نظر دارد.

از قرار معلوم حاج ابراهیم می‌خواهد رویه سال‌های پیش را ادامه دهد. هرچا تریبونی گیر می‌آورد فریاد بزند و شکایت کند و ما نیز همچنان با دهان باز و چشمان متعجب نگاهش کنیم و بیرسیم چرا ابراهیم در آتش می‌سوزد.



ساده‌لوح دودستی تقدیمش کردم و ریز و درشت خسرستی که به او دادم، حتما با سرعتی سرسام‌آور نوشته و سروتهش را هم آورده...

شکارچی کرم ابریشم نوشته امیر تاج‌السر با ترجمه محمد حزنبایی‌زاده توسط نشر هیرمند به چاپ رسیده است.

می‌خواهم فیلمنامه بنویسم؛

یک روش علمی

بارها قلم و کاغذ برداشتم و آماده نوشتن شدم اما گویی گرفتار جادویی شده باشم، حتی یک کلمه هم بر کاغذ نقش نمی‌ست. موقعیتی شبیه به آنچه محمود شایان، قهرمان فیلم بسیار ارزشمند درخت گلانی اثر داریوش مهرجویی، در آن قرار گرفته؛ نویسنده‌ای که ذهنش سترون شده. خبلی به دلیل با دلایل این خشکیدن قلم فکر می‌کردم تا این که این اواخر متوجه شدم تنها به خود موضوع و ابعادش به عنوان دغدغه شخصی فکر کرده‌ام اما نه از منظر درام‌نویسی، بلکه از دیدگاه روان‌شناختی. سال‌ها در کلاس‌هایی که داشتم، دانشجویان و هنرجویان، درباره موضوع‌هایی که ذهن‌شان را درگیر کرده و تصمیم دارند بر مبنایش فیلمنامه بنویسند، پرسش‌هایی را مطرح می‌کردند و اصلی‌ترینش این بود که «از کجا باید شروع کنیم؟»

شکارچی کرم ابریشم

بسیار عالی... پس بالاخره سر و کله خائن پیدا شد. سه هفته‌ای را صرف راست و ریس کردن کتاب سرقتی‌اش کرد. یقین سه هفته وقت چندان زیادی نیست اما در سایه دریای الهاماتی که من فروخته شده است...

آوای رستاخیز روایت بنیاد اخلاقی متزلزل انسان امروز در عصری اشباع‌شده از رسانه‌هاست. نویسنده مرگ فروشنده با جان بخشیدن به شخصیتی که مسیح را یادآور می‌شود کمدی سیاه خود را در دنیای مدرن شکلی می‌دهد. می‌لیر با نگاه نافذش دست روی موضوعاتی می‌گذارد که بر خاسته از شناخت عمیق او از جهان و انسان‌هاست.

آوای رستاخیز را شیما الهی به فارسی برگردانده و انتشارات چترنگ آن را در ۱۰۹ صفحه و به قیمت ۱۱۰۰۰ تومان منتشر کرده است.

آوای رستاخیز را شیما الهی به فارسی برگردانده و انتشارات چترنگ آن را در ۱۰۹ صفحه و به قیمت ۱۱۰۰۰ تومان منتشر کرده است.

آوای رستاخیز را شیما الهی به فارسی برگردانده و انتشارات چترنگ آن را در ۱۰۹ صفحه و به قیمت ۱۱۰۰۰ تومان منتشر کرده است.

آوای رستاخیز را شیما الهی به فارسی برگردانده و انتشارات چترنگ آن را در ۱۰۹ صفحه و به قیمت ۱۱۰۰۰ تومان منتشر کرده است.

آوای رستاخیز را شیما الهی به فارسی برگردانده و انتشارات چترنگ آن را در ۱۰۹ صفحه و به قیمت ۱۱۰۰۰ تومان منتشر کرده است.

آوای رستاخیز را شیما الهی به فارسی برگردانده و انتشارات چترنگ آن را در ۱۰۹ صفحه و به قیمت ۱۱۰۰۰ تومان منتشر کرده است.

آوای رستاخیز را شیما الهی به فارسی برگردانده و انتشارات چترنگ آن را در ۱۰۹ صفحه و به قیمت ۱۱۰۰۰ تومان منتشر کرده است.

آوای رستاخیز را شیما الهی به فارسی برگردانده و انتشارات چترنگ آن را در ۱۰۹ صفحه و به قیمت ۱۱۰۰۰ تومان منتشر کرده است.

آوای رستاخیز را شیما الهی به فارسی برگردانده و انتشارات چترنگ آن را در ۱۰۹ صفحه و به قیمت ۱۱۰۰۰ تومان منتشر کرده است.

آوای رستاخیز را شیما الهی به فارسی برگردانده و انتشارات چترنگ آن را در ۱۰۹ صفحه و به قیمت ۱۱۰۰۰ تومان منتشر کرده است.

آوای رستاخیز را شیما الهی به فارسی برگردانده و انتشارات چترنگ آن را در ۱۰۹ صفحه و به قیمت ۱۱۰۰۰ تومان منتشر کرده است.

آوای رستاخیز را شیما الهی به فارسی برگردانده و انتشارات چترنگ آن را در ۱۰۹ صفحه و به قیمت ۱۱۰۰۰ تومان منتشر کرده است.

آوای رستاخیز را شیما الهی به فارسی برگردانده و انتشارات چترنگ آن را در ۱۰۹ صفحه و به قیمت ۱۱۰۰۰ تومان منتشر کرده است.